

ارسال کننده: ع.نایبخیل

یادنامه شهید راه میهن و مردم
تورنجنرال عبدالاحد رزمنده

احد رزمنده کوتاه زیست ، اما برومند و انقلابی زیست



آن فرزند برومند مردم افغانستان ، که ناروپود وجودش از عشق به مردم ومیهن ، عشق به انسان ، عشق به فامیل و دوستان تنیده شده بود ، از دیر زمانیست که در میان ما نیست ؛ ولی خاطرات زنده اش نزد هر آنکه حتی یکبار با او آشنایی حاصل کرده ، جاودان مانده است. انسانی بود خوش مشرب ، رفیق دوست ، پاک طینت و با تقوی. در دل همه جا داشت و همه آرزومندی همشینی و مصاحبت با او را داشتند.

تورنجنرال دپلوم انجنیرعبدالاحد رزمنده پسر عبدالکریم عمرخیل، در ۱۵ برج قوس سال ۱۳۱۸ در چاردهی ولایت لغمان متولدگردید.درسال ۱۳۳۹خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) از لیسه غازی فارغ و شامل حربی پوهنتون گردید. سه ماه بعد غرض تحصیلات درساحه خدمات تخنیکی اردو به کشور چکوسلواکیا اعزام و در اکادمی انتونین زاپوتسکی آن کشور تحصیل نمود. (۱۹۶۴-۱۹۶۱) بعد از فراغت از تحصیل، به رتبه دوهم بریدمن طی سال های ۱۳۴۳-۱۳۴۵ (۱۹۶۴-۱۹۶۶) در کورس عالی افسران،

جاییکه جنرالها و افسران عالیرتبه در مورد اسلحه و وسایط پیشرفته حربی آموزش میدیدند، آموزگار بود.

در سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶) به رتبه لومری بریدمن، به حیث متخصص تانک در مدیریت اداره خدمات تخنیک و در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) به حیث آمر تدریسات اکادمی تخنیک، به ادامه وظیفه پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ به رتبه تورن، در ۱۳۵۲ به رتبه جگتورن و در سال ۱۳۵۵ به رتبه جگرن ترفیع نمود. در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) غرض تحصیلات عالی انجنیری عازم کشور چکوسلواکیا گردید و بعد از شش سال به رتبه علمی دپلوم انجنیر به وطن بازگشت.

بازگشت او مصادف با تغییر کلی جهت سیاسی داؤدخان بود که با تصفیه دستگاه دولت از عناصر چپ تحول طلب و ترقیخواه، و پیگردها، پیش آمدهای تحقیرآمیز و اختناق، مشخص می شد. بنابراین او نتوانست آموخته های خود را در خدمت کشورش قرار دهد و به بهانه مریضی خودرا متقاعد ساخت.

با آن که او عضو سازمان مخفی انقلابی اردو بود و ظاهراً هویت انقلابیش ناشناخته بود، اما دو برادرش - دکتور کبیر رنجبر و دکتور بصیر رنجبر اعضای علنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، افراد شناخته شده بودند و برادر بزرگترش - صمد ازهر از اولین کسانی بود که در آغازین لغزش داؤدخان به راست، از دستگاه دولت تصفیه و به استعفا مجبور گردانیده شده بود. لذا از یک طرف انتساب به چنین فامیل و از جانب دیگر متصف بودن او به تقوی، بشردوستی و ترقی پسندی - که محک چپ بودن و انقلابی بودن بود - او را هدف پیگرد قرار داده بود. او که پیش آمدهای غیراصولی را پذیرفته نه میتوانست، تقاعد را مناسب ترین راه تغییر فضای کار تشخیص داد.

بعد از تحول ۷ ثور، گیروگرفتها، کشتار، تعذیب و شکنجه هر دگرانیش، به شمول تحول طلبان، ترقی خواهان و اعضای ح. د. خ. ا، احساس پاک و انسانی او را سخت آسیب رسانید. او همیشه می گفت: "ما به خاطر چی آرمانهای والایی مبارزه کردیم، اما این قدرت به دستان چی کردند!؟"

وی در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ به حیث معاون انجنیر انستیتوت قره قل ایفای وظیفه نمود. در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) بنا به تصمیم رهبری دولت به شغل نظامی بازگشت و به رتبه دگرمن به حیث آتشه نظامی در پراگ تعیین گردید. در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) به رتبه دگروالی به حیث معاون اول خاړنوالی عمومی قوای مسلح، مؤظف گردید. موصوف عضویت کمیسیون مشترک بوروی سیاسی کمیته مرکزی ح د خ ا و شورای وزیران ج. د. ا در مورد عودت کننده گان و همچنان عضویت شورای مرکزی انجمن حقوق دانان ج. د. ا را داشت.

شهید رزمنده از انقلابیون شناخته شده کشور بود. از سال ۱۳۴۱ در جمع انقلابیونی قرار داشت که برای ایجاد یک تشکل مخفی سیاسی در قوای مسلح تلاش میکردند و از ابتدای تأسیس سازمان انقلابی اردو، عضویت آن را داشت. این سازمان، مدت کوتاهی بعد از تأسیس ح. د. خ. ا، به مثابه یک سازمان جداگانه مخفی، به عضویت آن درآمد. رزمنده تا پایان زنده گی افتخار آمیزش مبارزه و فعالیت انقلابی را با صداقت و عشق خدمت به مردم به پیش برد. وی در تربیت و جذب افسران اردو سهم به سزایی داشت و علاوه بر آنهایی که به سازمان، جذب شان نموده بود، هاله یی از خوش بینان و وطن پرستان را هم به دور خود داشت.

در وظایف رسمی، و بالاتر از آن در وجایب سازمانی و سیاسی، و در عقیده و ایمانش، قاطع و بُران بود. انسانی بود با دانش، اهل مطالعه و در میان همقطاران، فامیل و آشنایان یک سروگردن بالاتر.

آن فرزند برومند مردم افغانستان، که تاروپود وجودش از عشق به مردم و میهن، عشق به انسان، عشق به فامیل و دوستان تنیده شده بود، از دیر زمانیست که در میان ما نیست؛ ولی خاطرات زنده اش نزد هر آن که حتی یکبار با او آشنایی حاصل کرده، جاودان مانده است. انسانی بود خوش مشرب، رفیق دوست، پاک طینت و با تقوی. در دل همه جا داشت و همه آرزومندی همنشینی و مصاحبت با او را داشتند.

در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) به رتبه برید جنرالی ترفیع و در ۱۷ سنبله همان سال، هنگامیکه به غرض انجام وظیفه عازم شهرکندز بود، طیاره حامل شان مورد اصابت

راکت ستنگر دشمنان وطن قرار گرفت و همراه با هجده تن از همراهان خود در سن ۴۹ ساله گی جام شهادت را نوشید و افتخار جاودان شهید راه وطن و مردم را کمایی، و همراه با همراهان شهیدش در تپه شهدا - آنجا که جانباخته گان زیاد دیگر راه آزادی انسان و رهایی از بی عدالتی و عقب مانی، غنوده بودند - به خاک سپاریده شد. روحش شاد باد!

در زمان قدرت بنیادگرایان قرون وسطایی، حتی آرامگاه های شهدا هم از گزند دستبردها، دست اندازیهها و بی حرمتیهها، در امان نماند و سنگ لوحه مزارها را هم یا دزدیدند و یا پارچه پارچه کردند. تعدادی ازین تکه پارچه های پراگنده لوح مزار رزمنده بعد از سقوط طالبان، توسط برادرش دکتور عبدالبصیر رنجبر، از چهار طرف آن جمع آوری و همان متن اولی، روی لوح نو مزار، حک گردید.

شهید احد رزمنده در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹) با محترمه فریده پوپل آن بانوی فرشته سیرت سرشار از صفا و وفا، ازدواج نموده بود که ثمره آن یک دختر و یک پسر به نامهای زویا و سپارتک استند - که عمر شان دراز باد! او برای خانمش شوهر نمونه و برای فرزندانش پدر مهربان بی مثال بود.

یاد و خاطره احد رزمنده جاودان باد!

یادداشت:

از همه رفقا، همکاران، همزمان، دوستان، اعضای فامیل و سایر هموطنان و کسانی که از هر نقطه نظر با رفیق شهید احد رزمنده آشنایی، شناخت و خاطره یی از آن دارند، تقاضا میگردد تا به منظور ارایه مفصلتر معلومات و شناخت بهتر و بیشتر از رفیق شهید یاد داشتهها، نامه ها، خاطره ها و پیامهای شان را به ما بفرستند.

www.ayenda.org